

طراحی اقتصاد بدون نفت

ولی دولت و مجلس به آن توجهی نکرده‌اند و ظاهراً ترجیح‌بند «چاره‌ای جز این نیست» که در ۴۰ سال گذشته تکرار شده، همه را قانع کرده است و این سال‌های آینده است و در حقیقت دولت و مجلس امیدوارند در سال‌های آینده باز هم نفت را بیشتر بفروشند تا جریان مافات بشود. در اینکه اقتصاد بدون نفت امر خوبی است، تردیدی نیست. هم آدم‌های ولایی و حزب‌اللهی به آن معتقدند و هم اقتصاددانان سکولار و هم اقتصاددانان نهادگرا و هم اقتصاددانان سوسیالیست (که البته بخشی از آنان آدم‌های ولایی و حزب‌اللهی هستند). می‌خواهم در اینجا این سؤال را مطرح کنم که وظیفه ایشان که یا ولایی هستند یا ادعای ولایی دارند یا این ادعا را ندارند؛ ولی دل در گرو ایران و آینده ایران دارند و دائم از آینده ایران، امید به آینده، سرنوشت کشور و... صحبت می‌کنند، در پی بیانات رهبری چیست و چگونه باید باشد. حقیقت آن است که چون اقتصاد بدون نفت مستقیماً با الگوی زیست مردم ارتباط دارد و کسی نمی‌خواهد مسئولیت آن را برعهده بگیرد، همه و همه از طرح جزئیات و تبعات این کار احتراز می‌کنند و از برنامه‌ریزی درباره آن احتراز می‌کنند و صرفاً با نام آن زندگی می‌کنند؛ اما برخورد عملی با آن نداشته و بدون طرح و برنامه و توضیح و گفت‌وگو به‌ناچار به آن تن می‌دهند و به ضرب‌المثل «اسمش را نیآور، خودش را بیاور» جان می‌بخشند. علت این انفعال هم آن است که تا مجبور به کار نشویم، از استقبال از آن کار احتراز می‌کنیم؛ حتی اگر بر ما ثابت شده باشد که آن کار خوب است؛ مثل همین اقتصاد بدون نفت که حال پس از تحریم‌ها سازمان برنامه و بودجه به شکل کاملاً ظاهری به یاد آن افتاده؛ درحالی‌که موضوع آن سال‌هاست که از سوی رهبری بیان شده است. تأکید رهبری درباره نظر برخی هوشمندان آمریکایی بسیار بجاست. البته اگر آمریکا هوشمندی کامل و استراتژی درستی درباره ایران داشته باشد، باید سعی کند بهترین روابط را با ایران داشته باشد. نه‌تنها تحریم‌ها را برادر و به برجام بازگردد بلکه باید ویزا را یک‌طرفه بدارد. به سرمایه‌گذاران آمریکایی اجازه دهد و حتی تشویق کند که در ایران سرمایه‌گذاری کنند. آن‌وقت است که در تا تمایلاتی که در ایران در سال‌های گذشته وجود داشته و سبک زندگی دارد مثل سبک زندگی آمریکایی می‌شود، به‌طور بسیار طبیعی رابطه اقتصادی ایران با روسیه و چین کاهش می‌یابد. هرگاه امکانات فروش نفت بیشتر شده و ارز بیشتری به کشور وارد شده، دروازه‌ها بر کالاهای غربی باز شده و علاوه بر کالاهای آمریکایی معماری و زندگی مصرفی آمریکایی رواج پیدا کرده است. مسئولان یا نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند با آن مبارزه کنند. اینک اگر بخواهیم با جدیت موضوع اقتصاد بدون نفت را پیگیری کنیم، لازم است به برنامه‌ریزی در این زمینه بپردازیم. وظایف فقط بر عهده سازمان برنامه‌وپبودجه نیست که بعد از برنامه ارائه‌شده و بودجه تنظیم شده، همه در جایگاه منتقد قرار بگیرند. در برنامه باید به جزئیات پرداخت و تبعات آن را در زندگی مردم احصا کرد. می‌توانم به برخی نکات که باید در برنامه به آن پرداخته شود، اشاره کنم:

۱- وضع درآمد‌های دولت با توجه به هزینه‌های سنگین دولت که رو به تزاید است (حقوق کارکنان دولت، بازنشستگان، یارانه‌های نقدی، یارانه‌های غیرنقدی) چگونه خواهد بود و محل درآمدهای دولت و رقم آن مشخص شود. همچنین سرنوشت طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام دولتی چه خواهد شد و اعتبار آن چگونه تأمین می‌شود. آیا موضوع کم‌شدن حقوق کارکنان، حذف یارانه‌ها، حذف بودجه برخی نهادهای غیرمولد مورد توجه قرار می‌گیرد؟ به‌طور مثال نهاد ریاست‌جمهوری در سال‌های گذشته بیش از صدبرابر به کارکنان آن افزوده شده است.

۲- قیمت ارز و طلا در بازار چقدر خواهد شد؟ چگونه باید قیمت‌ها کنترل شود.

۳- وضع تغذیه مردم، واردات مواد اولیه، نهاده‌های دامی و مواد غذایی چگونه خواهد شد. کشاورزی به چه صورت خواهد بود. کنترل محیط زیست و مشکل آب و فاضلاب شهرها و آب کشاورزی با توجه به شرایط فعلی چه خواهد شد.

۴- ادامه کار صنایع و تأمین قطعات و مواد اولیه مورد نیاز چگونه خواهد بود.

۵- با توجه به عدم تصویب FATF و قطع احتمالی رابطه بانکی با دنیا مبادلات ارزی با چه کشورهایی و چگونه خواهد شد و کیفیت کالای صادراتی و نیز بازگشت ارز آنها از چه طریقی امکان‌پذیر است.

۶- هرچند پرداختن به اقتصاد بدون نفت موجب اشتغال در کشور می‌شود- اما طبعاً برخی مشاغل از دست خواهد رفت و باید مشاغلی که از دست می‌رود احیا شود.
۷- موضوع گردشگری که می‌تواند جایگزین پول نفت شود به چه صورت خواهد بود و چگونه تسهیلات زیربنایی تبلیغی و رفتاری برای آنان فراهم خواهد شد. نکاتی که ذکر شد، فقط بخشی از مسائلی است که در برنامه‌ریزی باید مدنظر باشد. نباید این کار را صرفاً بر دوش سازمان برنامه‌وپبودجه انداخت و بعد بگویم آنها غریب‌زم هستند و نمی‌خواهند. تجربه نشان داده است که آدم‌ها فقط شعار می‌دهند. به‌ویژه از اقتصاددانان مجمع تشخیص مصلحت که اصرار بر عدم تصویب لایحه FATF دارند و اقتصاددانان مطرح و بازاری هستند و نیز افراد اقتصاددانی که فریاد ولایی بونشان بلند است، انتظاراتی وجود دارد.

ادامه در صفحه ۲

فقط یک دسته و گروه نیستند. حالا همگی به خروجی

فهرست ۳۰نفره تهران اعتراض دارند و مدعی اند رعایت عدالت و حق نشده است؛ فهرستی که ۳۰ درصد آن چهره‌های شناخته‌شده، ۲۰ درصد چهره‌های کمتر شناخته‌شده و ۵۰ درصد تقریباً ناشناخته‌اند. دعوی اصولگرایان یا نواصولگرایان جوان حامیان قالیباف، دعوی طرفداران جبهه پایداری با شورای اتلاف، دعوی حدادعادل با آقاتهرانی و... بعد از خروجی فهرست تهران در شبکه‌های اجتماعی آن قدر بالا گرفت که پرچم نخستین اعتراض را هم خود قالیباف بالا برده و در حساب توییتری خود نوشت: «من به شما وعده داده بودم که دغدغه مجلس آینده همان دغدغه مردم یعنی اقتصاد است. فهرستی که به نام بدعلا اعلام شده است، مورد تأیید نیست». قالیباف گفته بود که ۹۰ نواصولگرا را به شورای اتلاف معرفی کرده است و امیدوار بود که دستکم بخشی از آنها در فهرست تهران قرار گیرند؛ اما خروجی حاکی از این است که چهره‌های انتخاب‌شده به حال‌وهوای فکری سیاسی رئیس شورای اتلاف نزدیک‌ترند تا شهردار سابق تهران. تا اینجا کار قالیباف به جز خودش و یک نفر مشخص، چهره نام‌آشنای دیگری از جریان سیاسی متعلق به خودش در فهرست ندارد. از آن سو اختلاف میان جبهه پایداری و شورای اتلاف یا به طور مشخص آقاتهرانی، دبیرکل جبهه پایداری و حدادعادل، رئیس شورای اتلاف اصولگرایان، به حدی بالا گرفت که کنش و واکنش رسانه‌ای منتشر شد و هرکدام سعی کردند تقصیر شکست اتلاف را گردن دیگری بیندازند. غلامرضا مصباحی‌مقدم، در نشست خبری اخیر در پاسخ به پرسشی درباره علت اختلاف‌نظر میان حدادعادل و آقاتهرانی گفت: دنبال این بودیم که جریان انقلابی به هم بپیوندند و از مدت‌ها پیش ۳۱ حزب در جلسات جامعه روحانیت که با احزاب اصولگرا انجام می‌شد، حضور داشتند و همان وقت هم از جبهه پایداری دعوت شد و حتی یک جلسه هم با حضور جبهه پایداری در خانه آقای موحدی‌کرمانی برگزار کردیم و آنان اعلام آمادگی برای وحدت کردند؛ اما تاکنون که به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم.

به گزارش ایرنا یک چهره اصولگرا در واکنش به فهرست ۳۰نفره منتشرشده، در حساب توییتری خود نوشته است: «آقایان محترم شورای اتلاف اگر آخرت برای‌تان معنا دارد، وجدان دارید و هنوز انقلابی هستید،

فقط به برخی از اسامی بیرون‌مانده نگاه کنید». در توییت کاندیدای دیگر جامانده از فهرست هم آمده است: «با خطونشان محکمی که درباره اجرای ماده ۲۹ در مجلس آتی برای شورای اتلاف کشیدم، جس می‌زدم که اسمم را از فهرست‌شان خط بزنند؛ اما انتظار نداشتم فقط دو اقتصاددان در فهرست نهایی بگذارند. انکار نه انکار که مسئله اصلی کشور اقتصاد است». حجت‌الاسلام «جلیل محبی»، دبیر ستاد امر به معروف و نهی ا منکر هم در توییتی آورده است: «این فهرستی که برای جریان انقلاب زحمت کشیدید و تهیه کردید، به‌شدت نیازمند نهی از منکر است». در واکنش دیگری از چهره اصولگرای دیگر می‌خوانیم: «بستن فهرست انتخاباتی برای حزب رأی مردم و بستن فهرست انتخاباتی برای ارضای گروه‌های مؤتلف، تفاوت اساسی وجود دارد». در پاسخ به حجم این انتقادات «محسن بیرهادی»، سخنگوی شورای اتلاف نیروهای انقلاب اسلامی، گفته است: نحوه انتخاب اعضای فهرست مبتنی بر یک نظرسنجی است که در حوزه انتخابیه تهران، در مجمع بسیار بزرگی نظرسنجی الکترونیکی برگزار شده و فهرست نفرات سه برابر ظرفیت در تمام بخش‌ها اعم از چهره‌ها و افراد بالای ۴۹ سال، جوانان، بانوان و روحانیون مشخص شد.» «محمدصالح مفتاح»، از فعالان رسانه‌ای نزدیک به «محمدباقر قالیباف»، شهردار اسبق تهران، با بیان اینکه فهرست ۳۰نفره شورای اتلاف نیروهای انقلاب انتظارات

سیاست

مناقشه میان اصولگرایان بعد از اعلام فهرست ۳۰نفره تهران بالا گرفت

جدال بر سر بهارستان

حمله حامیان قالیباف به فهرست تهران



را برآورده نمی‌کند، تأکید کرده است: «این فهرست ممکن است با محوریت فرد دیگری شکل بگیرد و تنها کسی که می‌تواند برای فهرست نو و انقلابی نقش محوری ایفا کند، کسی جز محمدباقر قالیباف نیست»؛ اما شدت انتقادات شورای اتلاف را وادار به تسلیم کرد و کانال روابط عمومی این شورا فهرست منتشرشده خود را حذف و در بیانیه‌ای تأکید کرد: با توجه به گمانه‌زنی‌های مختلف و انتشار فهرست‌های متفاوت با عنوان فهرست شورای اتلاف در تهران به‌زودی از طریق شورا رسماً به اطلاع عموم خواهد رسید.

اشاره مفتاح به شکل‌گیری فهرست تازه با محوریت قالیباف گمانه‌زنی‌های تازه‌ای را تقویت کرد و هم‌زمان چندین فهرست متفاوت هم با سرلیستی شهردار اسبق تهران منتشر شد. بار دیگر توییت‌ها و کانال‌های خبری خط تازه‌ای علیه فهرست‌های منتشرشده به راه انداختند. یکی از کانال‌های اصولگرا در این زمینه نوشت: «قالیباف که همواره در سال‌های گذشته شکست خود را به گردن دیگران انداخته و با برجسب وحدت‌شکنی به سایر نیروهای انقلابی، ناگامی‌های خود را در انتخابات‌ها توجیه می‌کرده، این بار خودش با وحدت‌شکنی در حال مقدمه‌چینی برای شکست اصولگرایان است».

با این تکذیب مشخص شد حضور قالیباف در فهرست شانا برای او راضی و قانع‌کننده نبوده و هرگونه ریسکی در این زمینه را نمی‌پذیرد. «محمد مهاجری»، فعال

سیاسی اصولگرا، در تحلیل نوع واکنش قالیباف و احتمال ارائه فهرستی تازه از سوی او گفته است: «فکر نمی‌کنم قالیباف فهرست جداگانه بدهد. انتخابات مجلس یازدهم برای قالیباف بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است و حتی اگر جبهه پایداری برایش شرط بگذارد، او می‌پذیرد و برای سرلیست‌شدن از هیچ معاهده‌ای روی برنمی‌گرداند».

مرتضی طلابی، فعال سیاسی اصولگرا نزدیک به قالیباف، گفته است: «مردم با ارائه چندین فهرست از سوی اصولگرایان سردرگم می‌شوند در چنین وضعیتی اصلاً معنای فهرست منتفی می‌شود و آراً به افراد و نه فهرست‌ها داده می‌شود. برای نیروهای انقلابی و ارزشی این پرسش مهم مطرح است چرا نیروهایی که ادعای ولایت‌مداری دارند، بعد از این همه گفت‌وگو و جلسه به هیچ توافق ارزنده‌ای نرسیدند. در مقطع کنونی مردم مؤمن و متعهد به انقلاب این پرسش حیاتی را مطرح می‌کنند و هیچ پاسخی در میان نیست. چرا بعد از این همه نشست و برخاست امکان ارائه فهرستی واحد مهیا نشد؟ تاکنون برای مثال، در اصفهان چندین فهرست از سوی گروه‌های مدعی اصولگرایی عرضه شده است. چنین وضعیتی مردم را سردرگم می‌کند و اساساً معنای فهرست‌گرایی را منتفی می‌کند و طبیعتاً مردم به سمت انتخاب افراد و فهرست می‌روند. بنابراین ارائه فهرستی واحد برای نیروهای اصولگرا خیالی بیش نبود. شورای اتلاف در فرایندی در ابتدا ۱۵۹ نفر را به ۹۰ نفر تقلیل داد و پس از این ۹۰ نفر به سمت تعیین فهرست ۳۰نفره رفت در حالی که هیچ فکری برای افراد حذف‌شده از فهرست نکرد. هیچ سازوکاری پیش‌بینی نشد افرادی که حذف می‌شوند، به نفع فهرست نهایی از انتخابات کناره‌گیری کنند. در نتیجه آنها که حذف شدند، به سمت ارائه فهرست‌های مستقل رفتند زیرا هیچ برنامه انقاعی از سوی شورای اتلاف طراحی نشد. بخش نارضاحت‌کننده ماجرا این است که در این دوره می‌شد به فهرستی واحد برسیم اما نرسیدیم. با چنین وضعیتی نتیجه انتخابات هرچه باشد نباید انتظار یک فراکسیون قوی اصولگرایی در مجلس را داشت و احتمالاً شاهد چند فراکسیون اعم از پایداری‌ها، عدالت‌خواهان، طرفداران آقای احمدی‌نژاد و... خواهیم بود. اکنون که هنوز کسی وارد مجلس نشده وضعیت این‌گونه است، قطعا در مجلس اختلافات بیشتر می‌شود و فراکسیون‌ها متعدد خواهد شد».

را برآورده نمی‌کند، تأکید کرده است: «این فهرست ممکن است با محوریت فرد دیگری شکل بگیرد و تنها کسی که می‌تواند برای فهرست نو و انقلابی نقش محوری ایفا کند، کسی جز محمدباقر قالیباف نیست»؛ اما شدت انتقادات شورای اتلاف را وادار به تسلیم کرد و کانال روابط عمومی این شورا فهرست منتشرشده خود را حذف و در بیانیه‌ای تأکید کرد: با توجه به گمانه‌زنی‌های مختلف و انتشار فهرست‌های متفاوت با عنوان فهرست شورای اتلاف در تهران به‌زودی از طریق شورا رسماً به اطلاع عموم خواهد رسید.

اشاره مفتاح به شکل‌گیری فهرست تازه با محوریت قالیباف گمانه‌زنی‌های تازه‌ای را تقویت کرد و هم‌زمان چندین فهرست متفاوت هم با سرلیستی شهردار اسبق تهران منتشر شد. بار دیگر توییت‌ها و کانال‌های خبری خط تازه‌ای علیه فهرست‌های منتشرشده به راه انداختند. یکی از کانال‌های اصولگرا در این زمینه نوشت: «قالیباف که همواره در سال‌های گذشته شکست خود را به گردن دیگران انداخته و با برجسب وحدت‌شکنی به سایر نیروهای انقلابی، ناگامی‌های خود را در انتخابات‌ها توجیه می‌کرده، این بار خودش با وحدت‌شکنی در حال مقدمه‌چینی برای شکست اصولگرایان است».

با این تکذیب مشخص شد حضور قالیباف در فهرست شانا برای او راضی و قانع‌کننده نبوده و هرگونه ریسکی در این زمینه را نمی‌پذیرد. «محمد مهاجری»، فعال

از جمله روسیه و چین تأکید کردند که در صورت عدم پیوستن به FATF امکان مبادلات مالی و تجاری از بین می‌رود.
تلاش سازمان‌ها برای پیوستن به FATF
اخبار دیروز حکایت از تصویب لایحه FATF در سنای پاکستان داشت. به نوشته «ایرنا» مجلس سنای این کشور اصلاحات صورت‌گرفته در لایحه مذکور را که هفدهم دی‌ماه سال جاری در مجلس ملی این کشور تصویب شده بود، بررسی و ضمن موافقت با آن به اجرای لایحه FATF با هدف تحقق الزامات این گروه چارغ سبز نشان داد. رسانه‌های پاکستان هم دیروز اعلام کردند «پیروفتنه‌ها در زمینه مشارکت دولت اسلام‌آباد برای اجرای دستورالعمل گروه ویژه اقدام مالی در حالی صورت گرفت که جلسه آنی مسئولان FATF قرار است ۲۷ بهمن (۱۶ فوریه) برگزار شود و این نشست برای پاکستانی‌ها جهت موافقت با خروج این کشور از فهرست خاستگری FATF سرنوشت‌ساز خواهد بود». تاکنون قریب به ۱۹۰ کشور به FATF و کنواسیون‌های مرتبط با آن پیوسته‌اند. ایران در کنار کنگو دو کشوری هستند که هنوز لایحه پارامو را نپذیرفته‌اند. رئیس‌جمهوری نیز اواخر سال گذشته به تصویب‌نشدن این لایوح بعد از موافقت مستحیان مردم در دولت و مجلس انتقاد کرده بود. او گفته بود: «ذره‌ای برای دنیا عقل و تدبیر قائل شویم، تمام کشورهای دنیا در گروه مالی شرکت کرده‌اند، یعنی هیچ‌کدامشان عقل و تدبیر ندارند؟ دولت و مجلس و شورای نگهبان ایران تدبیر نداشته است؟ نمی‌شود کشور را دست ۲۰۱۰ نفر داد و گفت که هر تصمیمی گرفتند ما تابع آنیم». آیا ایران هفته آینده به شرایط پیش از توافقی هسته‌ای در FATF بازمی‌گردد؟ باید کمی منظر ماند.

رفتن لایحه پارامو به مجمع تشخیص مصلحت نظام مشکل وحدت قاضی و طرف دعوا را ایجاد کرده است. با این همه مجمع تشخیص در یک سال گذشته تعلیق را برگزیده است.
جنبیدی: دولت همه تلاش خود را انجام داده
مهلت ایران در آخرین روزه‌های بهمن ماه به پایان می‌رسد. این را گروه ویژه اقدام مالی در آخرین اجلاس خود اعلام کرده بود. بر این اساس ایران در صورت عدم انجام اقدامات لازم به لیست سیاه بازخواهد گشت. اما به گفته جنبیدی تلاش‌های دولت برای جلوگیری از اتفاق متوقف نشده است. او گفته «دولت همه تلاش خود را انجام داده تا با مجموع مقرراتی که برای پول‌شویی و آیین‌نامه‌ها و قوانینی که نوشته در ارزیابی نهایی نهادهای دی‌ریت بین‌المللی را توجیه کند که تمام تلاش مقابل به تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی توسط ایران انجام شده و تلاش می‌کند تا زمان بگیرد و باید دید که آیا موفق خواهد شد یا نه» اما لایحه دیگری که مجمع آن را تعیین تکلیف نکرده و در بحث‌ها کمتر به آن توجه می‌شود، CFT است. شاید دلیل این اتفاق مخالفت شورای نگهبان با لایحه و پیچیدگی فرایند بررسی آن است. آن هم در حالی که مجمع تشخیص پارامو را که با رای مجلس تصویب و در شورای نگهبان تأیید شده تعیین تکلیف نمی‌کند. مخالفان این لایوح می‌گویند پذیرش این کنواسیون‌ها و پیوستن به FATF به معنی شفافیت کامل نظام بانکی کشور است. اتفاقی که از منظر آنها به نفع منافع ملی نیست. در مقابل موافقان تأکید می‌کنند که عدم تصویب این لایوح «خودتحریمی» است. چراکه با قرارگرفتن در لیست سیاه FATF تلاش بانکی و تجاری کشور دچار مشکلات جدی خواهد شد. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور گفته که حتی کشور‌های نزدیک به ایران

سختگوی دولت درباره «نوسازی جمهوریت» توضیح داد:

جمهوریت نو نداریم، همان جمهوریتی را می‌خواهیم که امام (ره) درباره آن گفتند

دادیم که تعیین سرنوشت خود را به دیگران نخواهیم سپرد. آزادی، عدالت و جمهوریت را هم‌را با اسلامیت تأمین می‌کنند. در هر جامعه‌ای مردم از صندوق نامید شوند، آن جامعه روی خوش نمی‌بینند. خود انقلاب برای ساختن این حق طبیعی را شکست خواهیم داد. نارسایی‌ها و گلیاه‌ها را باید شنید، به رسمیت شناخت و برای رفع آنها و جلب رضایت هرچه‌بیشتر مردم از پا نایستاد. دولت تدبیر و امید تحت ریاست رئیس‌جمهور خدود دوازدهم مرداد ۱۴۰۰ در خدمت ملت پای پیمان خود خواهد ایستاد». حسام‌الدین آشنا مشاور رئیس‌جمهور در دست‌اندرکاران کانال «آمدنیوز» را در تولید شایعه استغفای روحانی بی‌تأثیر ندانسته و نوشته بود: «شایعه‌سازی سازماندهی‌شده درباره‌علیه مقامات عالی با هدف بی‌ثبات‌سازی کشور اقدامی ضدانقلابی و دارای تبعات ضدامنیتی است. اگرچه زم در حال محاکمه است ولی ظاهراً هنوز شبکه او یا شبکه‌های مشابه ولی پنهان‌کارتر فعال هستند».

سال هفدهم • شماره ۳۶۴۶ روتاند

خبر

دستور روحانی برای تسریع در خدمت‌رسانی به استان‌های شمالی

● ایستار: روز گذشته در جلسه هیئت دولت گزارشی از وضعیت استان‌های مناطق شمالی کشور، به‌ویژه پس از بارش‌های سنگین برف در استان‌های گیلان و مازندران ارائه شد. حسن روحانی پس از ارائه این گزارش، به وزیران راه و شهرسازی، نیرو، ارتباطات و فناوری اطلاعات و کشور دستور داد تا تمامی امکانات وزارتخانه‌های خود را برای تسریع در روند خدمت‌رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از این بارش‌ها به کار گیرند. همچنین قرار شد محمدباقر نوینخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه نیز به‌عنوان نماینده رئیس‌جمهور و دولت، عازم منطقه شود و از نزدیک با مردم و مسئولان محلی گفت‌وگو و مشکلات را بررسی کند.

● ایستار: روز گذشته در جلسه هیئت دولت گزارشی از وضعیت استان‌های مناطق شمالی کشور، به‌ویژه پس از بارش‌های سنگین برف در استان‌های گیلان و مازندران ارائه شد. حسن روحانی پس از ارائه این گزارش، به وزیران راه و شهرسازی، نیرو، ارتباطات و فناوری اطلاعات و کشور دستور داد تا تمامی امکانات وزارتخانه‌های خود را برای تسریع در روند خدمت‌رسانی به مردم و کاستن از مشکلات ناشی از این بارش‌ها به کار گیرند. همچنین قرار شد محمدباقر نوینخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه نیز به‌عنوان نماینده رئیس‌جمهور و دولت، عازم منطقه شود و از نزدیک با مردم و مسئولان محلی گفت‌وگو و مشکلات را بررسی کند.

یادداشت

ماجرای یک رد صلاحیت



غلامعلی رجاهی

● در اینستاگرام خانم مولاولدی در نامه‌ای الکترونیکی خطاب به آقای شب‌زنده‌دار، عضو شورای نگهبان، خبری آمده بود که باعث تعجب بعضی‌ها شد؛ اما هیچ بر تعجب من نیفزود! نکته این بود: حضرت آیت‌الله شب‌زنده‌دار! به یکی از خانم‌های محبه - صد البته با معیار مورد نظر جناب‌عالی- بعد از پیگیری‌های فراوان برای درخواست دلائل و مدارک رد صلاحیتش به استاد بند یک ماده ۲۸ قانون انتخابات (و بدون آنکه قصد اعتراض داشته باشد)، از درِچه‌ای که روی در ورودی تعبیه شده، اعلام کرده‌اند: یکی از دلائل رد صلاحیتتان «ارتباط با مولاولدی» ذکر شده است؛ آن هم ارتباطی که اقتضای ذاتی کاری و مأموریتی دو طرف بوده است! و دلیل دیگر «مطالبه دیه و اربت برابزن زن و مرد» (بی‌آنکه به درخواست دیگرشان که مطابق قانون برگزاری جلسه با اعضای شورای نگهبان جهت استماع توضیحات و دفاعیاتشان است، وقعی نهاده شود) در دوره قبل شنیدم صلاحیت یکی از خانم‌ها را در یکی از استان‌ها صرفاً به‌دلیل داشتن عکس با من رد کرده‌اند، اما باور نکردم و تا دیروز نمی‌دانستم واقعا و در عمل به یکی از مصادیقی تبدیل شده‌ام که تعدادی را به استاد

آن از حق قانونی، انسانی و شرعی «انتخاب‌شدن» و «انتخاب‌کردن محروم کرده باشند (پایان نقل‌قول). این را که خواندم در درون خود از شدت تأثر خندیدم. خنده از این نظر که ملک تأیید صلاحیت کسانی که ان‌شاءالله به قصد خدمت برای حضور در مجلس اعلام آمادگی و ثبت‌نام می‌کنند تا به کجا رسیده است و حرمت افراد که در روایات برتر از حرمت بی‌سالله و کعبه معظمه دانسته شده ا چه حد تزلز داده شده است. هنوز بعضی‌ها از من می‌پرسند در انتخابات ثبت‌نام نکردید؟ وقتی می‌گویم نه و دلیلش را می‌پرسم، توضیحات من را که - در دور قبل التزام من با اسلام و ولی فقیه بر حضرات شورای نگهبان محرز نشد و رد صلاحیت شدم- می‌شنوند که نخواستم علاوه بر اتلاف وقت، موجب وهن خود و نظام شوم، سکوت تلخی بر وجودشان حاکم می‌شود و چیزی نمی‌گویند. در انتخابات مجلس قبل هیئت نظارت در صلاحیت من که در رزومهام نتایج شاکر در ذوقول را که در انتخابات دور قبل مجلس شورای اسلامی از شهر درذوقل نامزد شده بود، رد صلاحیت کرد. او در همان روز‌ها در دیداری با من - و به گمانم در مجمع تشخیص مصلحت- ضمن توضیح این مطلب گفت به هیئت نظارت در اهواز که مراجعه کرده و گفتم علت رد صلاحیت من که در رزومهام نتایج شهادت شاکر آقای مصباح‌یزدی بود‌ام، چیست؟ در کمال تعجب به من پاسخ داده شد: شما در فلان تاریخ و ساعت در مجمع تشخیص مصلحت نظام با آقای غلامعلی رجاهی ملاقات داشته‌اید؟ به آنها گفتم ایشان از بچه‌های جبهه و جنگ است و دو سال آخر جنگ در قراقرگه خاتم‌الانبیا (ص)، مسئول تبلیغات حضور و جنگ قراقرگه و مسئول من بوده و او برای جبهه دوباره در مجلس به‌عنوان یک دوست و همشهری مطلع یا او مشورت کرده‌ام، کجای این کار ایراد دارد؟ به من گفتند اگر دنبال تأیید صلاحیتتان هستید، باید قول بدهید که دیگر با ایشان ارتباط نداشته باشید. از شنیدن حرف‌های دکتر صدرا لیخند تلخی‌ای زدم و گفتم به جناب دکتر، همه رفت‌وآمدهای افراد به اینجا، به جاهایی! گزارش و در پرونده آنها برای روز مبدا! ثبت می‌شود. این گذشت. روز بعد که طبق معمول ضمن کارهای روزانه که مکرر خدمت آقای هاشمی می‌رسیدم، ضمن انتقال این خبر از قول آقای صدرا به او گفتم ظاهراً قضیه دلیل‌تراشی برای رد صلاحیت‌ها از ارتباط با شما خانواده هاشمی را منقطع کرد. شما با خانم فائزه هاشمی، از کرج که بازنشسته آموزش‌وپرورش بود و همسرش فردی ارزشی. این خانم از من تقاضای ملاقات کرد، برای اینکه حرف‌هایش را بشنوم و این حرف‌ها را به آقای هاشمی انتقال دهم. به مجمع که آمد، گفت در مراجعه‌ام به شورای نگهبان برای اطلاع از دلائل رد صلاحیت، به من گفته شد: شما با خانم فائزه هاشمی، دختر آقای هاشمی، عکس گرفته‌اید و معلوم است با او ارتباط دارید.